

روایت «هم‌میهن» از روزهای اعتراضات در استان‌هایی غیر از تهران

در شهرهای ایران چه گذشت؟

بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد در شهرهایی مثل ایزده و رامهرمز تعداد کشته‌ها و مجروحان بالااست در مشهد حدود ۱۰ فرد آسیب‌دیده اجتماعی جان باخته‌اند و بیشتر بازداشتی‌ها در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ ساله‌اند

الناز محمدی، سارا سبزی گروه جامعه

اخبار غیررسمی از رخ دادن اعتراضات در بیش از ۱۰۰ شهر ایران حکایت دارد؛ از شهرهایی کوچک مثل کوار و مرودشت و فسای فارس، هفشجان چهارمحال و بختیاری، آبدانان، ملکشاهی ایلام، جوققان اصفهان تا رشت، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز، کیش، قشم و بندرعباس. حجم اعتراضات، جانب‌باختگان و مجروحان به دلیل قطعی اینترنت و نبود آمارهای رسمی هنوز روشن نیست و هرآنچه از آن اطلاع داریم، از پیش از قطعی رسمی اینترنت و گفت‌وگو با اهالی این شهرهاست. تبدیل شدن ایران به یک نقطه تاریک در ۱۰ روز اخیر، باعث شد آمار جانب‌باختگان، مجروحان و بازداشتی‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ در بی خبری‌های اخیر گم شوند و حالا گفت‌وگو با بعضی از ساکنان شهرهای ایران، نشان می‌دهد در بیشتر این شهرها بیمارستان‌ها همچنان شلوع‌اند، در بعضی شهرها فراخوان اهدای خون صادر شده، تعداد بازداشتی‌ها زیاد اما نامشخص است، در شهرهایی مثل مشهد در میان جانب‌باختگان، افراد آسیب‌دیده اجتماعی مانند معنادرهم وجود دارند اما در بیشتر این شهرها از ابتدای این هفته، بازارها غیر از صنف طلافروشان فعالیت‌شان را از سر گرفته‌اند؛ هرچند مردم ساکن بعضی شهرها به هم‌میهن می‌گویند که خرید و فروش در فروشگاه‌های مختلف به وضعیت عادی بازنگشته و مردم همچنان در بهت و غم به‌سر می‌برند. **[هم‌میهن: این گزارش سوبیه اجتماعی دارد در حالی‌که با نگاه سیاسی این گزارش طرح شده که تاکید بر شهرهای کوچک و مرزی به قصد مشغول بودن و حضور کم‌شمارتر نیروی انتظامی در شهرهای بزرگ بوده است.]**

▼ تعداد بالای فوتی‌ها در ایزده

از هفتم دی‌ماه که اعتراضات از بازار تهران شروع شد تا هجدهم و نوزدهم دی‌ماه که به‌اوج خود رسید، معترضان بعضی شهرهای استان خوزستان هم به خیابان آمدند؛ براساس اطلاعاتی که «هم‌میهن» از فعالان اجتماعی و مردم این شهرها به‌دست آورده، در اهواز و چند شهر لر نشین این استان، اعتراضات بیشتر از بقیه بوده است؛ شهرهایی مثل رامهرمز، باغملک، مسجدسلیمان وایذه، منابع آگاه در خوزستان به «هم‌میهن» می‌گویند که در این روزها، در آبدان بازار تعطیل است، در ایزده بازداشتی‌ها، کشته‌ها و مجروحان بیشتر از بقیه شهرها بوده و در مناطق کوروش، زیتون کارمندی، کیانپارس و صددستگاه اهواز، اعتراضات از هجدهم دی‌ماه، سه‌روز پشت سر هم ادامه داشته است. پونه پیل‌رام، عضو انجمن فوریت‌های پزشکی خوزستان و مدیر تعاونی باورلدان جنوب هم در گفت‌وگو با «هم‌میهن» این اطلاعات را تایید می‌کند و می‌گوید تا جایی که اطلاع کسب کرده، در اهواز کسی کشته نشده است: «در روزهای اعتراضات گاز اشک‌آور زیاد می‌زدند اما ندیدم و نشنیدم که کسی کشته شده باشد ولی مجروحانی که گاز اشک‌آور خورده بودند، چشم‌شان آسیب دیده بود یا پرده گوش‌شان در می‌کرد، از نزدیک دیدم و به آنها کمک کردم. ولی کسی را ندیدم که تیر خورده باشد، البته تیر ساچمه‌ای دیدم.» او می‌گوید که بیشتر کسانی که اعتراض می‌کردن زدن بودند و جوان.

۲۲ دی‌ماه بود که علی فیضی، مدیرکل انتقال خون خوزستان از نیاز این استان به تأمین همه گروه‌های خونی در «مقطع کنونی» خبر داد. هرچند او تعداد بالای بیماران تالاسمی در خوزستان، جمعیت بالای استان و معین بونن خوزستان برای درمان بیماران استان‌های مجاور را دلیل همیشگی نیاز به خون و فرآورده‌های خونی اعلام کرد اما بنظر می‌رسد تعداد بالای مجروحان در بیمارستان‌ها و بقیه مراکز درمانی، نیاز به خون را بیشتر کرده است. پیل‌رام درباره مشاهداتش از وضعیت زخمی‌ها در مراکز درمانی می‌گوید: «خیلی از مجروحان می‌ترسیدند که بروند مراکز درمانی و بی‌گویند مثلاً چشم‌مان آسیب‌دیده است. بعضی از افراد، به اسم دیگری خودشان را معرفی می‌کردند اما چون درمانگاه‌ها موظفند اسم و کدملی از بیماران بگیرند، عملاً راه دیگری نبود. من از بیمارستان ایزده و باغملک هم خبر دارم که آسیب‌دیده‌ها و مجروحان ترجیح می‌دادند به اسم دیگری خودشان را معرفی کنند. من پرستارانی را می‌شناسم که به افراد ساچمه‌خورده کمک کردند و آنها دیگر به بیمارستان‌ها مراجعه نکردند.»

پیل‌رام می‌گوید، از تعدادی از کادر درمان در ایزده شنیده است که تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌ها در بیمارستان‌ها و در مانگاه‌ها قابل توجه بوده است. در باغملک اما تعدادی از پرستاران به او گفته‌اند که در روزهای اوج اعتراضات، دسترسی به اطلاعات اورژانس و تریاژ نداشته‌اند اما از همکاران‌شان شنیده‌اند غیر از افراد تیر خورده، بیماران دست‌وپا شکسته و به کما رفته هم داشته‌اند. هرچند هنوز تعداد دقیق بازداشتی‌ها در استان‌های مختلف مثل خوزستان مشخص نیست، اما فعالان اجتماعی در گفت‌وگو با «هم‌میهن» تعداد بازداشتی‌ها در خوزستان را بالای هزار نفر برآورد می‌کنند.

ایمن روزها و پس از گذشت یک‌هفته به‌نظر می‌رسد وضعیت

شهرهای استان خوزستان عادی‌تر شده اما کسب‌وکارها و فروشگاه‌های بازارها کار و کاسبی‌شان کساد است. در روزهای گذشته بازار طلافروش‌ها و کسب‌وکارهایی که با طلا و دلار ارتباط دارند، بسته بوده‌اند و فعالیتی نمی‌کنند. پیل‌رام می‌گوید در صنف پوشاک، مغازه‌ها یکی در میان بازند چون مردم بیرون نمی‌روند: «در اهواز صبح‌ها بندرت فروشگاه‌ها باز هستند، اما عصر‌ها بهتر می‌شود. مردم انگیزه‌ای برای خرید ندارند، قیمت‌ها به‌شدت متغیر و غیرثابت است. افراد ترجیح می‌دهند پول‌شان را برای موارد ضروری تر نگاه دارند تا برونند خرید کنند. سوپر مارکت‌ها هم می‌گویند تعداد آدم‌هایی که از ما خرید می‌کنند کم شده است، شاید البته دلیل اش این باشد که آدم‌ها به سمت خریدهای یارانه‌ای جدید و استفاده از کالابرگ‌ها رفته‌اند، برای همین هم هست که بیشتر، فروشگاه‌های زنجیره‌ای باز هستند که محصولات را به‌صورت کالابrgی ارائه می‌کنند.»
بیشترین آسیب را اما این روزها کسب‌وکارهای آنلاین به‌دلیل قطعی اینترنت دیده‌اند. پونه پیل‌رام، فعال اجتماعی در اهواز می‌گوید که در خوزستان آنلاین‌شاپ‌هایی که زنان مدیران آنها هستند یا کارهای تبلیغاتی در سایت‌ها که زنان در آنها مشغول به کارند خیلی زیاد است و الان همه آنها بدون استثنا آسیب دیده‌اند: «در تعاونی من که ۲۰۰ زن زیر مجموعه‌اند، همه کسب‌وکارشان نابود شده است. نابودشدن فقط به معنی این نیست که کسی مجبور شود ماشین و خانه‌اش را بفروشد، این زنان الان نمی‌توانند قسط‌هایشان را بدهند، چک‌هایشان را پاس کنند، کرایه‌های مغازه‌هایشان را بدهند و حقوق کارمندان‌شان را پرداخت کنند. الان ما دست‌به‌دست هم داده ایم و به هم پول قرض می‌دهیم. آنها بنگاه‌های کسب و کار کوچکی‌اند که با یک تا سه نفر کار می‌کنند و معمولاً هم جزو زنان آسیب‌دیده‌اند. هیچ‌کس هم پاس‌خوگی این وضعیت نیست. الان من که دسترسی به مسئولان دولتی و بازار و... هم دارم، نمی‌دانم به این زنان چه پاسخی باید بدهم. بگویم ۱۰ روز دیگر اینترنت وصل می‌شود؟ یک‌سال دیگر؟ دچار بالاتکلیفی خاصی هستیم.» او ادامه می‌دهد: «در باغملک و رامهرمز کسانی هستند که به من می‌گویند، ما می‌ترسیم بیرون برویم. در این شهرها کسب‌وکار تعداد زیادی از مردم، کشاورزی و دامداری است و اینها چه‌چیز خریدوفروش‌شان تقریباً از کار افتاده است. الان به‌اندازه نصف‌ماه این مردم درگیر این اتفاقات بوده‌اند و عملاً دولت هیچ پاسخی ندارد که به آنها بدهد؛ مثلاً نمی‌توانند بگویند ما به بانک‌ها سپرده ایم یک‌ماه از شما قسط نگیرند. کانال استانداری خوزستان در این‌ها صلاً به‌روز نمی‌شود، یعنی از استانداری خوزستان هم اطلاعات یا دلخوشی‌ای به ما نمی‌رسد. ما خودمان داریم به خودمان کمک می‌کنیم، به افراد نیازمند، خودمان کمک می‌کنیم اما نمی‌دانیم باید به کسب‌وکارها چه بگوئیم. الان رابطه دولت و ملت کاملاً قطع شده است.»

▼ مرگ ۱۰ آسیب‌دیده اجتماعی در مشهد

اعتراضات در مشهد و خیابان‌هایش از اواسط دوهفته پیش شروع شد؛ سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه بود که تعدادی از کسبه در اعتراض به آنچه وضعیت بد معیشتی می‌خواندند، در احمدآباد تجمع کردند. آن روز مغازه‌داران بازار رضا و خیابان مدرس مشهد، در خیابان جمع شدند و «ایسنا» گزارش کرد که خیابان احمدآباد محل تجمع معترضان و ترافیک شدید برای دقایقی بود. در بین ساعات ظهر تا عصر آن‌روز، خیابان ۱۷ شهرپرو و بازار رضا شاهد اعتراضات برخی کسبه بود که مغازه‌های خود را تعطیل کرده و عباراتی مانند «گرانی حق ما نیست» را روی پلاکاردهایی که در دست داشتند، نوشته بودند. در هجدهم، نوزدهم و بیستم دی‌ماه هم این اعتراضات ادامه داشت و جمعی از کسبه خیابان مدرس مشهد هم مغازه‌های خود را بستند. اعتراضات در این روزها در بلوار وکیل آباد و خیابان‌های احمدآباد، طبرسی و هفت‌تیر بیشتر بود و تجمع در حفاصل خیابان عارف تا راه‌آهنمایی باعث شد خط یک‌مترو، در ایستگاه‌های طالقانی و قائم، توقف نداشته باشد. حالا فعالان اجتماعی در این شهر به «هم‌میهن» می‌گویند، پس از آن روزهای پرالتهاپ در مشهد، این شهر هم همان اوضاع و احوالی را می‌گذراند که در بقیه شهرها هست. یک مددکار اجتماعی به «هم‌میهن» می‌گوید در اتفاقات اخیر، همکاران مددکارش به او اطلاع داده‌اند که ۱۰ نفر از مددجویان‌شان در این اعتراضات فوت شده‌اند؛ مددجویانی که بیشتر دچار اعتیاد بودند: «بعضی اعضای کادر درمان در بیمارستان‌ها به‌من می‌گویند که وضعیت بسیار اسفبار و شلوغ است. بیمارستان‌های امام رضا امدادی در مشهد، فراخوان خون داده‌اند چون در بعضی گروه‌های خونی، کمبود داشتند. در مشهد هم بیشتر جوانان ۲۵ سال به پایین بودند که فوت شدند. در میان آنها زن فوت‌شده هم بوده است.»
امیر خانی که او هم در مشهد، مددکار اجتماعی است، به «هم‌میهن» می‌گوید این روزها که در خیابان قدم می‌زند و در محل کارش می‌بیند که شادی و خوشی در صورت مردم دیده نمی‌شود: «در صورت مردم یک جور غم خاصی هست، دچار نگرانی و اضطراب هستند و نمی‌دانند چه اتفاقی برایشان می‌افتد، و وقتی فردا از خواب بیدار می‌شوند، آیا کار دارند یا نه. وقتی به چشم‌های این مردم نگاه می‌کنم، «شادی» در آنها پیدا نیست.» او می‌گوید که این روزها غیر از طلافروشی‌ها، بقیه مغازه‌ها باز هستند اما مشتری چندانی در آنها عملاً دیده نمی‌شود: «در روزهای هجدهم و نوزدهم دی‌ماه اما مغازه‌ها برای جلوگیری از آسیب‌دیدن، اجازه باز کردن نداشتند.»

ادامه از مطلب اصلی

▼ روایتی از رشت

هرکسی در رشت روایتی درباره بازداشتی‌ها، مجروحان و جانب‌باختگان دارد و از جمعیت قابل توجه معترضان در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه تعریف می‌کند؛ درست مثل آنچه این شهر در اعتراضات ۱۴۰۱ پشت‌سر گذاشت. بیمارستان‌های رشت مثل گل‌سار و در مانگاه‌های کوچک آن هم در جریان این اعتراضات شاهد تعداد زیادی مجروح بوده‌اند. حالا نیمی از مغازه‌ها و کافه‌های شهر رشت باز و نیمی دیگر بسته‌اند و بعضی از کارمندان آن هم بعد از یک‌هفته، از روز یکشنبه به سرکار خود برگشته‌اند اما باز هم به‌دلیل ادامه قطعی اینترنت، کارها چندان پیش نمی‌رود.
آنهايي که مغازه‌ای در این شهر دارند، می‌گویند که انگار کسی تمایلی به خرید ندارد و معاملهای شکل نمی‌گیرد. طبق شنیده‌های «هم‌میهن»، برخی از مغازه‌های این شهر هم با فشار اصناف فعالیت خود را دوباره از سر گرفته‌اند. مثل بانک ابتدای خیابان تختی که آتش گرفت و شعله‌های آن به مغازه‌ها و خانه‌های دیگر هم سرایت کرد و طبق روایت شاهدان، در خیابان‌های معلم، سعدی، شریعتی و تختی، بانکی سالم نمانده است. روز دوم بعد از اعتراضات صنف موپایل فروشان تهران، فعالیت در بازار رشت هم مختل شد و روز هشتم دی‌ماه چند راسته از آن آتش گرفت؛ راسته کتابفروشان، کلی‌فروشان، راسته دوم طلافروشان، مسجد کاسه‌فروشان، راسته بعد از آن و سرای ملک، بخش‌های آتش گرفته از این بازارند. مردم این شهر هم حالا از روزهای مبهم خود می‌گویند؛ مثل «مهسا» که تعریف می‌کند در جریان قطعی اینترنت، این جمع‌های کوچک دوستانه است که آنها را نجات می‌دهد: «همین که فهمیدم قرار است اینترنت وصل شود، غصه‌ام گرفت. دست و دل کسی به کار نمی‌رود اما باین حال به‌دلیل قطعی اینترنت انگار آدم‌ها بیشتر به هم نزدیک شدند، یک‌جا جمع می‌شدند و حرف می‌زدند، اما همه این روزها در انتظار روزهای بهتر می‌گذرد.»

[هم‌میهن: با این همه باید منتظر بود و دید گزارش‌های رسمی که قاعدتاً در حال تهیه است تا چه اندازه ابعاد ماجرا را توضیح می‌دهد. در تا‌ترین مورد دیشب وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای از دستگیری ۳۰۰ نفر خبر داد و از آنان با عنوان «عوامل مؤثر و لیبرهای اعمال تروریستی» یاد کرد. در این اطلاعیه خاطر نشان شده این افراد در تماس‌های مرمی معرفی شده بودند.]

از جامعه چه خبر؟

۱۵ هزار تصادف برون‌شهری

بابک محمودی، رئیس سازمان امداد و نجات با اشاره به ثبت بیش از ۱۵ هزار تصادف در محورهای برون‌شهری، از انتقال بیش از ۱۰ هزار نفر به مراکز درمانی، در ۹ ماه نخست سال خبر داد. به گزارش ایلنا، رئیس سازمان امداد و نجات به تشریح اقدامات جمعیت هلال احمر، در حوادث ترافیکی ۹ ماهه سال پرداخت و گفت: «طی ۲۷۶ روز گذشته و از سال ۱۴۰۴، در محورهای برون‌شهری کشور ۱۵ هزار و ۷۷۴ مورد حوادث ترافیکی توسط جمعیت هلال احمر به ثبت رسیده است». او ادامه داد: «طبق اطلاعات ثبت‌شده، امدادگران جمعیت هلال احمر، ۱۰ هزار و ۳۹۲ مصدوم را به مراکز درمانی منتقل و ۱۷۴۲ نفر را در محل حادثه درمان کردند.»

دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۹۸۵

www.hammihanonline.ir

▼ خانواده‌های داغدار در ممسنی

اعتراضات و اعتصابات دی‌ماه در برخی از شهرهای کوچک کشور به‌صورت محدود رخ داده و زودتر به وضعیت عادی برگشتند؛ مثل گنبدکاوس که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه با جمعیت زیادی از معترضان در خیابان‌ها روپرو شد، اما تعداد بازداشتی‌ها، مجروحان و کشته‌شدگان این اعتراضات بالا نبوده است، شاید کمتر از تعداد انگشتان یک‌دست.
انطور که برخی از ساکنان این شهر می‌گویند، در تعطیلات چندروز اخیر به‌دلیل ناامنی‌ها، بسیاری از مغازه‌ها و کافه‌ها ا سبوی اصناف و تعزیرات بسته می‌شدند اما از روز گذشته، دیگر دسترسی برای بستن مغازه‌ها شنیده نشده است.
ازط‌ر دیگر، بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد، تعطیلی در این شهر گسترده نبوده و حالا وضعیت آن عادی است. در میان شهرهای استان هر‌م‌گان هم بندرعباس نسبت به شهرهای دیگر آن با حضور بیشتری از معترضان در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی روبرو بوده اما تعداد بازداشتی‌های آن هم چندان بالا نبوده است و حالا وضعیت این شهر هم به شرایط عادی برگشته است اما شهرهایی مثل ممسنی استان فارس، روزهایی خاموش را پشت‌سر گذاشته‌اند و بعد از دو هفته، اصناف و کسبه، کارشان را هر چند بی رونق و کم‌رنگ، شروع کرده‌اند.

بسیاری از مغازه‌های نورآباد ممسنی در شمال غرب استان فارس هم پیش از روزهای اوج اعتراضات دی‌ماه کار خود را تعطیل کرده بودند و حالا اهالی آن می‌گویند: «شهر غم‌گرفته است و بسیار بیشتر از ظرفیت‌اش صدمه دیده». در شهری که به شلوغی‌اش معروف بود و اصناف و مغازه‌ها تا اواخر شب فعال بودند، در دوهفته اخیر از ساعت ۵-۶ غروب به‌بعد دیگر کسی در خیابان‌ها نبود: «مردم انگار هیچ انگیزه‌ای نداشتند.» این روایت «زهران»، یکی از ساکنان این شهر است که تعریف می‌کند تعداد زخمی‌ها آنقدر بالا بود که دیگر بیمارستان شهر ظرفیت نداشت و مجروحان به درمانگاه و حتی شهرهای دیگر هم منتقل می‌شدند. او می‌گوید در روزهای اوج درگیری و اعتراضات در بیمارستان شهر اصلاً جایی برای رفت‌وآمد نبود و آنها که بیمار عادی داشتند به‌م‌سختی به بیمارستان رفت‌وآمد می‌کردند: «با این حال کادر بیمارستان به مجروحان خیلی کمک می‌کردند اما باقی شهر تعطیل بود. اینترنت نبود و از ساعتی به‌بعد دیگر آن‌تلفن هم قطع بود. پیام کوتاه هم هیچ.» به روایت او بسیاری از مصدومان، جراحات خود را در خانه و به کمک یک پرستار یا پزشک آشنا، مداوا می‌کردند: «خیلی مجروح داشتیم. بسیاری از آنها می‌ترسیدند و به بیمارستان نمی‌رفتند و از ترس، و وقتی به خانه می‌رفتند یا به‌دلیل نبودن پزشک یا عفونت ناشی از مجروحیت فوت می‌شدند. مجروحان شهرهای اطراف را برای درمان به ممسنی نمی‌آوردند؛ چون شهر ما خودش خیلی آشوب بود و از این شهر به جاهای دیگر می‌برند.» درست مثل شهرهای دیگر، تعداد بازداشتی‌های ممسنی هم بالا بود و بخش زیادی از آنها را گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دادند: «بازداشتی‌ها را هم بعد از بازداشت به شهرهای بزرگتر بردند.»

ادامه در ستون

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ شماره شاسی ۰۸۱۴۰۴۵۴۸ شماره موتور ۱۱۱۲۸۱۰۶۵۴۲ شماره پلاک ۲۱ ایران ۴۱۰۴۳۲ به نام سید عبدالهادی یزدان شناس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری وانت مزدا ۱۶۰۰ مدل ۱۳۶۳ شماره شاسی ۶۳۶۵۶۷۵ شماره موتور ۰۵۱۸۵۲ شماره پلاک ۲۴ ایران ۲۸۱س ۴۱ به نام فرج مکنا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۹ شماره شاسی ۰۰۷۹۴۹۸۸۷۹ شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۹۵۶۷۴ شماره پلاک ۱۳ ایران ۴۱۵۴۱ به نام طاهره شیرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پژو آردی مدل ۱۳۷۸ شماره شاسی ۰۰۷۸۷۰۱۳۴۳ شماره موتور ۲۲۳۲۷۸۰۱۴۲۴ شماره پلاک ۵۴ ایران ۴۳۸ق ۴۳ به نام سهیلا غبشاوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پژو آردی مدل ۱۳۷۹ شماره شاسی ۰۷۹۷۰۶۳۹۸ شماره موتور ۲۲۳۲۷۹۰۵۹۵۵ شماره پلاک ۱۹۳ ایران ۶۶۷۴۶۶ به نام محمدامین رحمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پژو GLX ۱۴۰۵ مدل ۱۳۷۷ شماره شاسی ۰۰۷۷۳۰۰۴۷۴ شماره موتور ۲۲۵۲۷۷۰۱۳۶۷ شماره پلاک ۱۱۳ ایران ۸۴۸ط ۹۷ به نام کیومرث امینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.